

جایگاه وام ۴۴ میلیونی در اقتصاد جنگی

دولت برای پشتیبانی از بنگاه‌های جنگ‌زده، به ازای هر کارگر ۴۴ میلیون تومان تسهیلات تعیین کرده؛ حمایتی امیدبخش که با وجود اهمیت، برای احیای تولید نیازمند تقویت و تکمیل است

نخست باید ماهیت و وضعیت متفاوت کسب‌وکارها را در نظر گرفت. او در گفت‌وگو با رسانه‌ها توضیح می‌دهد که بنگاه‌هایی که در جریان جنگ اخیر آسیب دیده‌اند، به‌طور کلی در سه گروه قابل دسته‌بندی‌اند. به گفته او، نخستین گروه واحدهایی هستند که به‌طور مستقیم در معرض اصابت موشک یا بمب قرار گرفته و خسارت فیزیکی دیده‌اند. در چنین شرایطی، تسهیلاتی که دولت به ازای هر کارگر و به میزان ۴۴ میلیون تومان در نظر گرفته، می‌تواند تا حدی نقش مُسکن ایفا کند و از بروز آشفته‌گی در وضعیت نیروی انسانی جلوگیری کند؛ با این حال این رقم‌ها برای حل مشکلات عمیق تر و ساختاری این بنگاه‌ها کفایت چندانی ندارد.

به گفته ملکی، گروه دوم بنگاه‌هایی هستند که به‌طور مستقیم هدف حملات قرار نگرفته‌اند اما فضای جنگی و اختلالات اقتصادی بر فعالیت آن‌ها اثر گذاشته است. او می‌گوید چنین بسته‌هایی می‌تواند تا اندازه‌ای به استمرار فعالیت این واحدها کمک کند، اما محدودیت منابع مالی و احتمال ورود طرح به پیچ‌وخم‌های اداری، نگرانی‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. از نگاه او، هرگاه مداخلات دولتی به‌صورت غیرسیستماتیک انجام شود، خطر شکل‌گیری رانت، پیچیدگی اداری و حتی انحراف منابع افزایش می‌یابد؛ پدیده‌ای که در صورت تداوم می‌تواند کارایی سیاست‌های حمایتی را کاهش دهد.

این اقتصاددان در عین حال به گروه سوم از بنگاه‌ها اشاره می‌کند؛ واحدهای کوچکی که اساساً فاقد نظام بیمه‌ای منظم هستند. به گفته او، در برخی موارد صاحبان کسب‌وکار برای کاهش هزینه‌ها از بیمه کردن نیروی کار خودداری کرده و دستمزدهای حداقلی پرداخت می‌کنند. طبیعی است چنین واحدهایی از شمول بسیاری از حمایت‌های رسمی خارج به‌مانند و حتی در صورت برخورداری از کمک‌های عمومی، ابهام در سازوکار توزیع منابع می‌تواند هزینه‌های پنهانی برای اقتصاد و ساختار تولید کشور ایجاد کند.

جران خسارت تولیدکنندگان

در کنار اجرای بسته‌های حمایتی مالی، بدیهی است که دغدغه اصلی دولت، بازگرداندن واحدهای تولیدی آسیب‌دیده به مدار فعالیت باشد؛ چرا که توقف تولید، صرفاً یک اختلال بنگاهی نیست، بلکه حلقه‌های اشتغال، معیشت و امنیت اقتصادی را نیز متأثر می‌کند. بر همین اساس، در واپسین روزهای فروردین ماه سال جاری، نوزدهمین نشست کارگروه «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم» با حضور شماری از وزرا و مسئولان و به ریاست رئیس کل بانک مرکزی برگزار شد. در این نشست، راهکارهای حمایت از بیکاران ناشی از شرایط جنگی، تسریع در تأمین و تدارک کالاها، ی‌های اساسی و نهاده‌های کشاورزی، تسهیل در ترخیص اقلام ضروری، پیشگیری از کمبود در بازار، نظارت مؤثر بر قیمت‌ها و نیز تخصیص ارز برای واردات کالاها، ی‌های اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ مجموعه‌ای از تدابیر که هدف آن، جلوگیری از تعمیق رکود و صیانن از معیشت عمومی عنوان شد. با این حال، در فضایی که پیامدهای جنگ، نوسانات شدید ارزی و رکود فراگیر بر محیط کسب‌وکار سایه افکنده و بنگاه‌ها با فهرستی بلند از تنگناهای مالی و عملیاتی روبه‌رو هستند، صرف تصمیم‌گیری‌های مقطعی کفایت نمی‌کند. بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های قانونی، مالی و نهادی کشور و هم‌افزایی واقعی میان دولت و مجلس، ضرورتی انکارناپذیر است. کارشناسان تأکید دارند حمایت فوری و هدفمند از کارگران و کارفرمایان می‌تواند از گسترش بیکاری جلوگیری کرده و زمینه بازگشت تدریجی ثبات را فراهم آورد.

افزایش مزد در روزهای بحران

در کنار حمایت از تولیدکنندگان، دولت ناگزیر است صیانن از نیروی کار را نیز در کانون تصمیم‌گیری‌های خود قرار دهد. بر همین مبنا، در میانه شرایط جنگی و آشفته‌گی اقتصادی، بر اجرای افزایش ۶۰ درصدی حداقل حقوق پافشاری کرد؛ تصمیمی که با وجود فشار هزینه‌ها، در منطق سیاستی دولت نوعی تضمین حداقلی برای معیشت کارگران تلقی می‌شود.

این در حالی است که برخی از انجمن‌ها، تشکل‌های کارفرمایی و فعالان بخش خصوصی پیشنهاد داده بودند اجرای مصوبه دستمزد ۱۴۰۵ به‌طور موقت متوقف شود تا پس از عبور از فضای جنگی و بازگشت نسبی ثبات، دستورالعملی پایدار تدوین گردد. آنان حتی خواستار سازوکاری نظارت‌پذیر شدند که امکان توافق دوجانبه میان کارفرما و نیروی انسانی را برای تعیین مزد فراهم کند. با وجود این درخواست‌ها، دولت تا تأکید بر مسئولیت اجتماعی خود، افزایش حداقل مزد را بخشی از سپر حمایتی در برابر فشار معیشتی ناشی از بحران دانست.



بر اساس آمار رسمی، نرخ تورم پایان سال گذشته حدود ۵۲ درصد اعلام شده و پیش‌بینی‌ها از تداوم تورم میانگین ۵۰ درصدی دست‌کم در نیمه نخست امسال حکایت دارد. در چنین فضایی، مفهوم «قیمت پول» نیز تغییر می‌کند. حق شناس توضیح می‌دهد وقتی دولت منابع خود را با نرخ ۲۲ درصد در اختیار تولیدکننده می‌گذارد، عملاً تسهیلاتی ارزان‌تر از سطح عمومی تورم عرضه کرده است. به بیان دیگر، هزینه واقعی این پول کمتر از نرخ تورم جاری است و همین امر می‌تواند برای بنگاهی که قادر به تداوم تولید است، مزیت نسبی ایجاد کند.

حمایت از بنگاه‌های کوچک

حق شناس در ادامه تصریح می‌کند که در اقتصادی با تورم بالا، هر کالایی که کمتر از نرخ تورم افزایش قیمت داشته باشد، در عمل ارزان‌تر محسوب می‌شود. این قاعده در باره پول نیز صادق است. بنابراین وامی که با نرخ بهره ۱۸ تا ۲۳ درصد پرداخت می‌شود، هنگام بازپرداخت افزایشی متناسب با تورم ندارد و از این منظر می‌تواند برای تولیدکننده سودآور باشد؛ مشروط بر آنکه منابع به فعالیت مولد اختصاص یابد.

او البته تأکید می‌کند که کاهش بیشتر نرخ سود، در صورت امکان، مطلوب‌تر است؛ اما نه از مسیر چاپ پول پرکردن یا استقراض بی‌ضابطه، زیرا چنین رویکردی خود به تشدید تورم می‌انجامد. به گفته این اقتصاددان، دولت در شرایط کنونی توان پرداخت تسهیلاتی با نرخ‌ی بسیار پایین‌تر را ندارد و همین سطح نیز تقریباً نصف نرخ تورم برآورد می‌شود.

در پاسخ به این پرسش که چرا دامنه طرح به بنگاه‌های حداکثر ۵۰ نفر محدود شده و صنایع بزرگ را در برنمی‌گیرد، حق شناس به محدودیت منابع بانکی اشاره می‌کند و می‌گوید که حمایت از واحدهای کوچک، به‌مثابه تقویت حلقه‌های ابتدایی زنجیره تولید است. اگر این بخش تثبیت شود، صنایع بزرگ نیز منتفع خواهند شد؛ چنان‌که در صنعت خودرو، حل مشکل قطعه‌سازان می‌تواند به بهبود وضعیت خودروسازان بینجامد. از این منظر، جهت‌گیری طرح، تلاشی برای بیشینه‌سازی اثر منابع محدود در گستره اقتصاد است.

قطع بیمه به بهانه صرفه‌جویی

بهنام ملکی، اقتصاددان، در ارزیابی بسته حمایتی دولت برای بنگاه‌های آسیب‌دیده از جنگ، معتقد است

واحدهای دارای دو تا پنجاه کارگر بیمه‌پرداز می‌توانند در سامانه «کات» نام‌نویسی کنند و از بسته تسهیلات دولت برخوردار شوند. مطابق جزئیات منتشرشده، برای هر کارگر رقمی معادل ۴۴ میلیون تومان در قالب تسهیلات بانکی پیش‌بینی شده که بازپرداخت آن در دو تا چهار قسط و حداکثر طی شش ماه انجام می‌گیرد.

دولت برای تعیین نرخ بهره، شرط حفظ اشتغال را ملاک قرار داده است؛ به گونه‌ای که بنگاه‌هایی که تا پایان خرداد هیچ تعدیل نیرویی نداشته باشند، از نرخ سود ۱۸ درصدی بهره‌مند می‌شوند و در صورت حفظ حداقل هشتاد درصد نیرو، نرخ بهره ۲۲ درصد اعمال خواهد شد. با این حال، در صورت تعدیل نیروی بیش از این سقف‌ها، علاوه بر الزام به پرداخت سود ۲۳ درصدی، جریمه‌ای معادل ۳۵ درصد نیز منظور می‌شود؛ رویکردی که به‌نوعی در پی ایجاد پیوند میان منابع حمایتی و پایداری اشتغال است.

این طرح که بر پایه جلسات کارشناسی و ارزیابی‌های میدانی شکل گرفته، در گام نخست تنها بنگاه‌هایی را هدف گرفته که مستقیماً از جنگ آسیب دیده‌اند. اکنون پرسش اصلی آن است که آیا در فضای مضطرب و پرچالش کنونی، این بسته می‌تواند نقشی مؤثر در حفظ توان تولید و جلوگیری از ریزش گسترده اشتغال ایفا کند یا نه؛ پرسشی که پاسخ آن، بیش از هر چیز، به کیفیت اجرا و میزان همراهی نهادهای مالی وابسته خواهد بود.

محدودیت منابع مالی دولت

های حق شناس، اقتصاددان و استاندار گیلان، در گفت‌وگو با آتیه‌نو تأکید می‌کند که ارزیابی هر طرح حمایتی بدون توجه به متغیرهای کلان اقتصادی ممکن نیست. به گفته او، دولت در قالب بسته جدید، امکان دسترسی بنگاه‌های آسیب‌دیده به منابع جبرانی را فراهم کرده و استفاده از این تسهیلات نیز اختیاری است؛ بنگاه‌ها بر اساس نیاز و محاسبه اقتصادی خود تصمیم می‌گیرند.

او یادآور می‌شود که حتی پیش از وقوع جنگ نیز کسب‌وکارها از مسیر شبکه بانکی تأمین مالی می‌شدند و اکنون نیز بانک‌ها در چارچوب ضوابط، آمادگی پرداخت وام را دارند؛ هر چند با محدودیت منابع مواجه‌اند. به باور حق شناس، بخشی از منابع این طرح به‌طور طبیعی از سوی دولت پشتیبانی می‌شود، اما نمی‌توان واقعیت‌های تورمی اقتصاد را نادیده گرفت.

سال ۱۴۰۴ به‌دستی یکی از سخت‌ترین سال‌ها برای اقتصاد و کسب‌وکارها توصیف می‌شود؛ سالی که هم‌زمان با وقوع دو جنگ، کمبود انرژی، ناترازی‌های گسترده و اختلال مکرر اینترنت، فشار کم‌سابقه‌ای بر بنگاه‌ها وارد شد. حتی پیش از تشدید تنش‌ها نیز هشدارهای کارشناسان درباره احتمال ابرتورم، چشم‌انداز دشوار سال جدید را ترسیم کرده بود. با آغاز حملات دشمنان و افزایش محدودیت‌ها، مشکلات تولید از تأمین مواد اولیه و نقدینگی تا تورم افسارگسیخته و تعطیلی‌های پی‌پی‌شدت گرفت. در همین حال، روند صعودی بیکاری و کاهش منابع سازمان تأمین اجتماعی، ضرورت مداخله حمایتی دولت را بیش از پیش برجسته کرده است.

فشار سنگین بازارکار

برایند بحران‌های متعدد سال ۱۴۰۴ تأثیری مستقیم و عمیق بر بازار کار برجای گذاشته؛ به‌طوری‌که بنا بر اظهارات رسمی، حداقل یک‌میلیون نفر در معرض بیکاری قرار گرفته‌اند. این روند تنها نرخ بیکاری را به سطحی نگران‌کننده سوق می‌دهد بلکه زنجیره‌ای از پیامدها را در پی دارد؛ از کاهش قدرت خرید و تهدید امنیت معیشتی خانواده‌ها گرفته تا افت تولید، تضعیف صادرات و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت. استمرار این وضعیت، اقتصاد را در چرخه‌ای معیوب از رکود و کاهش اشتغال گرفتار می‌کند؛ چرخه‌ای که خروج از آن بدون سیاست‌های فعال حمایتی دشوار خواهد بود.

در چنین شرایطی، بار قابل توجهی متوجه سازمان تأمین اجتماعی است؛ نهاده‌ی که باید به‌عنوان بازوی دولت در شرایط بحران، بیمه‌بیکاری را تأمین کند. اما کاهش شدید تعداد بیمه‌پردازان فعال، افت منابع ورودی و افزایش تعهدات جاری، تاب‌آوری مالی سازمان را محدود کرده است. این ساختار، پیشی‌تر نیز با تنگنای نقدینگی روبه‌رو بود و اکنون با انباشت بیکاری و تقاضای فزاینده برای حمایت، بیش از هر زمان نیازمند تسویه بدهی‌های دولت و بهره‌مندی از سازوکارهای حمایتی است. به همین دلیل، موفقیت سیاست‌های دولت به میزان توجه به این گره نهاده‌ی و توان تقویت شبکه‌های حمایتی وابسته است.

جزئیات طرح حمایتی

وزارت اقتصاد چند روزی است اجرای طرحی را آغاز کرده که هدف آن پشتیبانی از بنگاه‌های اقتصادی آسیب‌دیده از شرایط جنگی اخیر است؛ طرحی که بر اساس آن،

مهناب زرین کلک

روزنامه نگار

یادداشت



هوشنگ بازوند

معاون وزیر راه و شهرسازی

هیچ راهی مسدود نیست

در جریان جنگ رمضان و هجوم ائتلاف آمریکایی-صهیونی به زیرساخت‌های کشور، چهار دهانه پل راه‌آهن در حال بهره‌برداری، سه تونل ریلی در دست ساخت، چهار تونل آزادراهی نیمه‌تمام و پنج دهانه پل در آزادراه‌های لرستان و خوزستان، مسیر زنجان-تبریز و جاده میانه-تبریز هدف بمباران و اصابت پرتابه‌ها قرار گرفتند. با وجود شدت تخریب در برخی مقاطع، تیم‌های عملیاتی بلافاصله در صحنه حاضر شدند و برنامه ترمیم اضطراری و بازسازی موقت را به جریان انداختند. گزارش‌های میدانی حاکی است رفت‌وآمد در محورهای یادشده برقرار است و اختلالی در تردد عمومی وجود ندارد. در مورد پل‌ها، اجرای واریانت‌های عبوری موقت، امکان حرکت خودروها را فراهم کرد و اکنون در پل‌های ریلی، آزادراهی و بزرگراهی مسدودی گزارش نشده است. یادآوری تجربه جنگ گذشته نشان می‌دهد زیرساخت‌ها تاب‌آوری کم‌نظیری داشته‌اند؛ چنان‌که یک تونل بین بروجرد و خرم‌آباد هفت بار هدف قرار گرفت اما سازه اصلی آسیب جدی ندید و عمده خسارت به ورودی‌ها و دامنه‌های کوهستان محدود ماند.

پس از آخرین موج بمباران، با تمرکز مهندسان و کارگران، حداکثر طی ۴۸ ساعت کریدورهای حیاتی، بازگشایی و از پل‌های موقت و پیش‌ساخته برای رفع گلوگاه‌ها بهره گرفته شد. مقام‌های فنی تأکید می‌کنند این اقدامات در زمره پاسخ‌های اضطراری است و توسل‌ای اساسی در فرصت مقتضی انجام خواهد شد. دستورکار کوتاه‌مدت بر ایمنی عبور و حداقل سازی زمان انسداد تمرکز مانده و تیم‌های پایش سازه‌ای، ارزیابی‌های پیوسته را برای رصد تغییرشکل‌ها و ریزترک‌ها پیش می‌برند. به موازات، زنجیره تأمین قطعات فرودآبی، صفحات فرشه و نوارهای FRP برای مقاوم‌سازی موضعی فعال شده و ماشین‌آلات سنگین آواربرداری در محورهای آلوده به ترکش مستقرند. اولویت با مسیرهای پرت‌ردد و گره‌های لجستیکی است تا زنجیره حمل‌ونقل بار و مسافر پایدار بماند.

پل B1 کرج بر رودخانه بیلقان، شاخص‌ترین پروژه آسیب‌دیده، با ۹۹ درصد پیشرفت در آستانه بهره‌برداری بود. این سازه که بیش از ۱۰ سال برای ساخت آن زمان صرف شد، اکنون تحت نقشه‌برداری و معاینه فنی قرار دارد تا میزان آسیب ستون‌ها مشخص شود. در صورت سلامت ستون‌ها، مرمت حدود چهار همت هزینه دارد؛ در غیر این صورت بازسازی کامل به ۱۲ تا ۱۳ همت اعتبار نیاز خواهد داشت.

پل B1 که به «بزرگ‌ترین پل خاورمیانه» شهرت یافته، با طولی نزدیک به یک کیلومتر و ارتفاع ۱۳۶ متر در امتداد آزادراه شهید سلیمانی از سال ۱۳۹۵ در شمال کلانشهر کرج کلید خورد و تحسین کارشناسان داخلی و خارجی را برانگیخت.

این پروژه که شهروندان پایتخت و البرز مشتاق گشایش آن بودند، روز سیزدهم فروردین در دو نوبت هدف حمله قرار گرفت.